



وقتي آنان از جواب فروماندند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بار دیگر آنان را به اسلام دعوت کرد و آنها برای رهایی خویش تظاهر به اسلام کرده و گفتند: «#171 ما مسلمان شدیم.» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: نه! دروغ می‌گویید و شما را علاقه به صلیب موهوم عیسی علیه‌السلام و شراب خواری و خوردن گوشت خوک مانع می‌شود که قلبا دین حق را بپذیرید!

چون آنها از پذیرش حق سرباز زدند، در همان لحظه آیه مباحله نازل شد که: «#171; فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»؛ #171؛ هرگاه بعد از دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، کسانی با تو به مجادله و ستیز برخیزند، بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نمائیم، شما هم زنان خود را، ما از جانهای خود دعوت می‌کنیم شما هم از جانهای خود؛ آنگاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»

نصاریان بعد از شنیدن این آیه، گفتند: این کاری منصفانه است و بعد از قرار گذاشتن وقت مباحله، برای کسب آمادگی به منازلشان رفتند. در جلسه‌ای که مسیحیان نجران تشکیل دادند، بزرگ آنان به سایرین گفت: اگر محمد، فردا با عده‌ای از یاران و اصحابش برای مباحله آمد، ما هم با او مباحله می‌کنیم و او قطعاً پیامبر خدا نیست؛ اما اگر با خاندانش برای مباحله حضور یافت، ما نباید به این کار دست بزنیم؛ زیرا اگر او خاندان نزدیکش را برای این کار انتخاب کند و حاضر شود آنها را فدا نماید، حتماً او پیامبر است و در ادعایش راستگو است.

صبح روز بعد، نصاریان نجران آمدند و در محل مقرر ایستادند و منتظر ورود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند. ناگهان مشاهده کردند که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله کودکی را در آغوش گرفته و دست کودکی دیگر را در دست دارد و زن و مردی پشت سر او قدم برمی‌دارند و با شکوه و جلال و هیبت معنوی خاصی به پیش می‌آیند.

در آن حال پیامبر به همراهانش توصیه فرمود که من هرگاه نفرین کردم، آمین بگویید.

روحانیون نجران از گروه زیادی از انصار و مهاجرین که برای تماشای مباحله آمده بودند، سؤال کردند: اینها چه نسبتی با محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله دارند؟ آنان پاسخ دادند: آن مرد علی بن ابی طالب، داماد اوست و آن زن فاطمه، دخترش می‌باشد و آن دو کودک حسن و حسین، فرزندان فاطمه و علی هستند.

روحانیون نصارا با دیدن این منظره خود را باخته و نگران شدند؛ به طوری که رئیس آنان گفت: من عذاب را در چند قدمی خود احساس می‌کنم؛ زیرا او به راه خود ایمان راسخ دارد، وگرنه هیچ گاه فردی که در کار خود تردید داشته باشد، عزیزان و نور چشمان خود را در معرض عذاب الهی قرار نمی‌دهد. اگر با این وضع دست به نفرین برداریم، تمام ما نابود خواهیم شد و تا روز قیامت یک نفر نصرانی روی زمین باقی نخواهد ماند و نام کلیسا از حافظه تاریخ محو خواهد شد.»

آنان عاجزانه عرضه داشتند: ای ابوالقاسم! ما مباحله نمی‌کنیم، تو دین خود را داشته باش و اجازه بده ما هم به دین خود باقی بمانیم. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: نه. اگر حاضر به مباحله نیستید، مسلمان شوید. اسقف گفت: نه! مسلمان نمی‌شویم و چون توانائی جنگ نداریم، مانند سایر اهل کتاب جزیه 5 می‌دهیم. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پذیرفت و مصالحه نمود. 6 سپس پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: عذاب، سایه شوم خود را بر سر نمایندگان مردم نجران گسترده بود و اگر از در ملاحظه و مباحله وارد می‌شدند، صورت انسانی خود را از دست داده، در آتشی که در بیابان برافروخته می‌شد، می‌سوختند و دامنه عذاب به سرزمین #171؛ نجران» نیز کشیده می‌شد. (فروغ ابدیت ج2)

جریان مباحله را مفسرین بزرگ و محدثین و مؤرخین در کتابهای تفسیر و حدیث و تاریخ نقل کرده اند، و از اینکه مصادر و مدارک آن را نشان بدهیم بی‌نیازیم. اما در عین حال چندین کتاب را برای مراجعه نام می‌بریم تفسیر طبری، بیضاوی، نیشابوری، کشاف، الدرالمنثور، اسباب النزول واحدی، اکیلی سیوطی، مصابیح السنة، سنن ترمذی و کتب دیگر.

#### دستاوردهای حادثه مباحله

جریان مباحله نقطه عطفی در تاریخ اسلام محسوب می‌شود؛ چرا که در آن روز بار دیگر نور اسلام در آفاق هستی درخشیدن گرفت و عالمیان در سال نهم هجرت، حقانیت نبوت پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله و منزلت اهل بیت آن حضرت را برای چندمین بار به نظاره نشستند و روز مباحله، به عنوان یکی دیگر از روزهای جشن و پیروزی و روز دعا و شکرگزاری در تاریخ اسلام ثبت شد. در این بخش، به برخی از دست آوردها و آموزه‌های حیاتبخش جریان مباحله می‌پردازیم:

#### سند حقانیت شیعه

نزول آیه مبارکه مباحله، واضحترین دلیل بر فضیلت و عالی‌ترین مدرک برای حقانیت باورهای شیعه در مورد امامت و خلافت علی علیه‌السلام بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشد. در این آیه وجود مقدس امیرمؤمنان علی علیه‌السلام به منزله جان پیامبر شناخته شده است و این حقیقت غیرقابل انکار - که از منظر تمام دانشمندان شیعه و اهل سنت جای تردید و شبهه در آن وجود ندارد - اثبات می‌کند که دومین شخص عالم امکان، علی علیه‌السلام است که شایستگی جانشینی حضرت خاتم الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از رحلتش منحصر در شخصیت وی می‌باشد.

شیخ مفید رحمه‌الله می‌فرماید: «#171؛ خدای متعال در آیه مباحله حکم نموده است که علی علیه‌السلام جان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشد، و از این حکم معلوم می‌شود که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام به بالاترین درجه فضیلت و برتری نائل شده

است و با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در کمال و عصمت از گناهان مشترک است.»<sup>7</sup>

این سخن شیخ مفید برگرفته از حدیث معروف مساوات است. اهل سنت این حدیث را از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کنند که فرمودند: «#171; مَنْ ارَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَإِلَى نُوحٍ فِي تَقْوَاهُ وَفِيهِمْ وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ وَ إِلَى يَحْيَىٰ بْنِ زَكَرِيَّا فِي زُهْدِهِ وَإِلَى مُوسَىٰ فِي هَيْبَتِهِ وَإِلَى عِيسَىٰ فِي عِبَادَتِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ 8 هر کس می‌خواهد علم حضرت آدم و تقوا و فهم حضرت نوح و حلم حضرت ابراهیم و زهد حضرت یحیی و هیبت حضرت موسی و عبادت حضرت عیسی را ببیند، به علی بن ابی طالب بنگرد.

بر اساس این روایت، وجود امیرمؤمنان علی علیه‌السلام با تمام پیامبران الهی مساوی است.

علامه بزرگوار استاد محمدتقی جعفری در این زمینه می‌نویسد: «#171; روایاتی متنوع در منابع اولیه اسلام، مخصوصاً حدیث مقدس مساوات امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام با رسولان الهی در امتیازاتی که خداوند سبحان به آنان عطا فرموده است»، به اضافه آیه مباهله که علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام در آن نفس رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله منظور شده است، با کمال وضوح اثبات می‌کنند که علی علیه‌السلام آن بزرگ بزرگان و آن یگانه نسخه انسان کامل - که پس از وجود نازنین محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله نظیر او به عرصه هستی گام نگذاشته است - تجلی‌گاه نمونه همه امتیازات والای پیشوایان معصوم علیهم‌السلام می‌باشد.»<sup>9</sup>

در یکی از گفتگوهای امام رضا علیه‌السلام با مأمون، آمده است که مأمون از حضرت رضا علیه‌السلام پرسید: شما چه دلیلی بر خلافت جدتان علی بن ابی‌طالب بعد از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دارید؟! امام رضا علیه‌السلام فرمودند: «#171; آيَةُ اِنْقِسَا؛ آیه مباهله.» شخصیت شناس پرتلاش، علامه سیدعلی اصغر بروجردي، در کتاب طرائف المقال در توضیح سخن امام رضا علیه‌السلام می‌نویسد: بدون تردید در صحنه مباهله به غیر از اصحاب کساء هیچ کس دیگر از مسلمانان حضور نداشت و اگر به غیر از علی علیه‌السلام مرد با فضیلت دیگری - که به اندازه او در نزد رسول گرامی اسلام موقعیت و منزلت والاّی کسب کرده بود - وجود داشت، هیچ‌گاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله علی علیه‌السلام را به جای او گزینش نمی‌کرد و یا حداقل به همراه علی علیه‌السلام او را نیز می‌آورد. اما آیه مباهله و شأن نزول آن گواهی می‌دهد که علی علیه‌السلام شایسته‌ترین و بافضیلت‌ترین فرد در میان یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. سخن رسول گرامی اسلام در روز مباهله شاهد دیگری بر این مدعاست. آن حضرت هنگام مباهله با نصاری نجران با اشاره به علی علیه‌السلام فرمود: «#171; اَللّٰهُمَّ هَذَا تَقْسِي وَهُوَ عِنْدِي عِدْلُ تَقْسِي؛ 10 پروردگارا این [علی] جان من است و او در نزد من معادل نفس من است.»

برای همین بود که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در اوج مظلومیت خویش در ماجرای شورای خلافت، خطاب به اهل شورا با آیه مباهله احتجاج نمود. ابن حجر هیثمی از محدثان اهل سنت کلام علی علیه‌السلام، خطاب به اهل شورا را چنین نقل می‌کند: «#171; اَنْشِدْكُمْ اللّٰهَ هَلْ فَيْكُمْ اَحَدٌ جَعَلَهُ اللّٰهُ تَقْسَ التِّي، وَاِبْنَاءَهُ اِبْنَاءَهُ، وَنِسَاءَهُ نِسَاءَهُ، عَيْرِي؛ 11 شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا به غیر از من در میان شما کسی هست که خداوند او را جان پیامبر و فرزندان او را فرزندان پیامبر و زنان او را زنان پیامبر قرار داده باشد؟! همه یکصدا گفتند: نه؛ به غیر از تو چنین فردی را سراغ نداریم.

ابن حماد شاعر پرشور و متعهد قرن چهارم هجری در ضمن اشعاری علی علیه‌السلام را با آیه مباهله ستوده، می‌گوید:

سَمَاءُ رَبِّ الْعَرْشِ تَقْسَ مُحَمَّدٍ يَوْمَ الْيَهَالِ وَذَاكَ مَا لَا يَدْفَعُ 12

«#171; پروردگار عرش، در روز مباهله، علی علیه‌السلام را جان محمد نامید و این واقعیتی انکارناپذیر است.»

سایر دستاوردهای مباهله

## 1. جلوه‌ای از عزت اسلام

ماجرای مباهله موجب شد تا عظمت و حقانیت اسلام بر تمامی مردم اثبات شده و صداقت گفتار رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ادعاهای وحیانی آن حضرت بیش از گذشته آشکار گردد. این واقعه یکی دیگر از دلائل نبوت و کرامتهای آن حضرت به شمار می‌آید. بی تردید مباهله، در تقویت ایمان مسلمانان و تضعیف روحیه منافقان و مخالفان تأثیری بسزا داشته است.

## 2. دلیلی بر فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام

این آیه محکم‌ترین دلیل بر عظمت و فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. از دانشمندان اهل سنت، ابوالقاسم جار الله زمخشری صاحب تفسیر معروف کشف می‌نویسد:

«#171; وَفِيهِ دَلِيلٌ لِأَشْيَاءَ أَقْوَى مِنْهُ عَلَى فَضْلِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَفِيهِ بُرْهَانٌ وَاضِحٌ عَلَى صِحَّةِ بُتُوَّةِ التِّي صلی‌الله‌علیه‌وآله لَاتَهُ لَمْ يَرَوْ أَحَدٌ مِنْ مُوَأَفِقٍ وَلَا مُخَالِفٍ اِتِّهَمُوا اِلَيْ ذَلِك؛ 13 در این آیه قوی‌ترین دلیل بر برتری اصحاب کساء علیهم‌السلام وجود دارد و در آن دلیل روشنی بر صحت پیامبری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است؛ چون هیچیک از مخالف و موافق روایت نکرده است که مسیحیان نجران مباهله (با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله) را پذیرفته باشند.»

مسلم نیشابوری، عالم دیگر اهل سنت نیز در صحیح خود، در مورد شأن نزول این آیه که فضیلت و منقبتی دیگر را برای اهل بیت علیهم‌السلام رقم زده است می‌گوید: هنگامی که آیه مباهله نازل شد، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله علی و فاطمه و حسنین علیهم‌السلام را دعوت کرد و فرمود: «#171; اَللّٰهُمَّ هُوَءَا اَهْلِي؛ پروردگارا! اینان اهل [بیت] من هستند.»<sup>14</sup>

شیخ مفید این گفته را چنین تکمیل نموده: «#171; مباهله فضیلتی استثنائی برای اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد که هیچکس از امت اسلام در این فضیلت با آنان شریک نیست و همانند آنان نمی‌تواند باشد.»<sup>15</sup>

ماجرای مباحله نشان داد که هر کس به هر عنوان با دین اسلام مخالفت نماید، دچار شکست و ذلت ابدی خواهد شد. و سرنوشت انسانهای لجوج و خودخواه که به هر بهانه‌ای از پذیرش حق و منطق صحیح سرباز می‌زنند، همانند نصاری نجران با خذلان و خواری توأم خواهد شد، که وعده الهی حق است و پیروزی حق بر باطل از سنتهای تغییرناپذیر اوست. آنان آن چنان از عظمت روحی و معنوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مرعوب شده بودند که بدون لحظه‌ای درنگ از مباحله دست کشیده و در کوتاهترین مدت به خواسته‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تن دادند و این مصداق همان آیه شریفه است که می‌فرماید: «#171؛ سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ»؛ #16؛ به زودی در دل‌های کافران ترس و وحشت می‌افکنم.» به همین جهت آنان هنگامی که چهره‌های مصمم و با اراده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و همراهان را مشاهده کردند که چگونه به سوی محل مباحله قدم‌های راسخ برمی‌دارند، اسقف نجران اظهار داشت: «#171؛ يَا مَعْشَرَ النَّصَارِيِّ إِيَّيْ لَارِي وَجُوهَا لَوْ سَأَلُوا اللَّهَ أَنْ يُزِيلَ جَبَلًا مِنْ مَكَانِهِ لَزَالَهُ بِهَا فَلَا تُبَاهِلُوا فَتُهْلِكُوا؛ 17 ای گروه نصارا! من چهره‌هایی را [که ایمان در سیمایشان موج می‌زند] مشاهده می‌کنم که اگر آنان از خداوند بخواهند که کوهی را از مکانش بردارد سریعاً اجابت خواهد کرد. هرگز مباحله نکنید که نابود خواهید شد.»

4. روز خجسته و مبارک

شکوه و عظمت حادثه مباحله آن روز تاریخی را به عنوان یکی از ماندگارترین روزهای تاریخ اسلام قرار داد و آن روز به عنوان روز جشن و شادی و شکرگزاری به درگاه حق و به عنوان یادآور عظمت اصحاب کساء در حافظه تاریخ ثبت شد. به همین جهت در روز 24 ذی‌الحجه، همانند عید غدیر آداب ویژه‌ای منظور شده است که برخی از اعمال آن روز عبارتست از:

1. روزه گرفتن 2. غسل روز مباحله 3. به جای آوردن نماز مباحله 4. خواندن دعای آن روز 5. تصدق بر فقرا، به عنوان شکرگزاری 6. قرائت زیارت جامعه که جلوه‌هایی از عظمت اهل بیت علیهم‌السلام را بیان می‌کند.

5. تثبیت جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام

واقعۀ مباحله موقعیت اهل بیت علیهم‌السلام را در جامعه بویژه در میان اندیشمندان مسلمان آن چنان استحکام بخشید که حتی تندروترین مخالفین آن بزرگواران نتوانسته‌اند از ذکر آن خودداری کنند و خداوند متعال به این وسیله حق را در زبان و قلم آنان جاری نموده است.

فخرالدین رازی صاحب تفسیر مفاتیح الغیب که در شبهه افکنی و تشکیک مواضع و باورهای کلامی شیعه گوی سبقت را از دیگران ربوده و هیچ موردی را در مسئله امامت بدون نقض رد نشده، هنگامی که به آیه مباحله می‌رسد حقیقت را چنین اظهار می‌دارد: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله زمانی که به محل مباحله می‌آمد عبائی بافته شده از موی سیاه در بر کرده و حسین را بغل کرده و دست حسن را گرفته و فاطمه و علی علیهما‌السلام نیز از پشت سر آن حضرت می‌آمدند. در همان حال پیامبر به آنها سفارش کرد: «#171؛ هنگامی که دست به نفرین بلند کردم شما آمین بگویید.» سپس پیامبر در همان نقطه مباحله، حسن و حسین و علی و فاطمه علیهم‌السلام را در زیر عبای خود گردآورده و آیه تطهیر را قرائت کرد و به این ترتیب اهل بیت خود را نیز معرفی نموده و عظمت و منزلت آنان را شناساند.

فخر رازی بعد از نقل این روایت می‌گوید: به اتفاق اهل حدیث و تفسیر این روایت صحیح است و هیچگونه تردیدی در صدور آن وجود ندارد.

او در ادامه می‌افزاید: همچنین این آیه دلالت می‌کند که حسن و حسین پسران رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هستند. 18

6. تداوم سنتهای پیامبران پیشین

مباحله همانند بسیاری از احکام و دستورات شریعت اسلام ادامه ادیان توحیدی پیشین می‌باشد. به همین جهت این سنت آسمانی و حرکت معنوی برای پیروان ادیان گذشته کاملاً آشنا بود. همانطوری که ابوحارثه - اسقف بزرگ هیئت اعزامی - هنگام مشاهده پیامبر و همراهان در محل مباحله به دوستانش گفت: به خدا سوگند! او همانند پیامبران الهی به مباحله نشسته است. 19

7. شیوه مقابله با مخالفین

مباحله اهل بیت علیهم‌السلام، به مسلمانان آموخت که هرگاه مخالفین با منطق و دلیل قانع کننده به سوی صراط مستقیم هدایت نشدند و آنان به لجاجت پرداخته و از پذیرش حق امتناع ورزیدند با مباحله به مقابله برخیزند و در برابر دشمنان عنود، خود را عاجز و درمانده نشان ندهند. به همین سبب این شیوه در میان مسلمانان رایج بود.

هنگامی که در بامداد روز عاشورا یکی از دشمنان امام حسین علیه‌السلام به نام یزید بن مقعل به صحنه نبرد آمد، بریر از سوی امام مأمور مقابله با وی شد. او خطاب به بریر گفت: ای بریر بن خضیر، کار خدا را چگونه می‌بینی؟ بریر گفت: به خدا سوگند برای من خوب است اما برای تو بد!

- چرا دروغ گفתי، تو که در گذشته دروغگو نبودی، آیا به یاد داری که از عثمان بد می‌گفتی و معاویه را، گمراه و گمراه کننده می‌دانستی؟! و علی بن ابی طالب را امام برحق می‌شمردی؟!!

- آری شهادت می‌دهم که عقیده من همان است و گواهی می‌دهم که تو از گمراهان هستی، آیا حاضری در این زمینه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگو قرار دهیم و قبل از مبارزه از خدا بخواهیم که آنکه حق است فرد گمراه و دروغگو را بکشد؟! هنگامی که یزید بن مقعل مباحله را پذیرفت آنان در پیشگاه دو لشکر به مباحله پرداخته و دست به نفرین برداشتند. سپس مبارزه را آغاز کردند، بعد از اندکی زد و خورد بریر بن خضیر که با اراده‌ای آهنین و ایمانی راسخ به دفاع از حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام قیام کرده بود با ضربت شمشیر خویش به یزید بن مقعل پیروز شده و او را به خاک مذلت نشانند.

مباحله نه تنها در صحنه‌های مبارزات اعتقادی و اصول دین کاربرد دارد بلکه در فروعات فقهی نیز بابی به همین نام وضع شده است

که مربوط به اختلافات و مشکلات خانوادگی است.

این نوع مباحله که مورد بحث فقهای اسلامی می‌باشد در متون فقهی به نام باب «لعان» معروف است. اساسا مباحله نوعی نفرین طرفینی است و این گذشته از اینکه در سطح عمومی با غیر مسلمانان انجام می‌شود. در مسائل خصوصی و خانوادگی نیز اگر کار به منازعه و مشاجره بکشد یکی از راهکارهای آن مباحله می‌باشد. هنگامی که مردی همسر خویش را به عمل نامشروع متهم کند و یا بخواهد فرزندی را از خودش نفی کند از مباحله و ملاعنه استفاده می‌شود. مبنای این نوع مباحله در آیات 6 تا 10 سوره نور است و شرایط و کیفیت آن نیز در منابع فقهی آمده است.

پی نوشت

1) خالد بن ولید قبل از صلح حدیبیه و در سال ششم هجری به همراه عمرو بن عاص مسلمان شد. پدر او ولید بن مغیره یکی از بزرگان و منتقدان قریش بود. او در موارد متعددی فرماندهی لشکر اسلام را به عهده می‌گرفت و بعدها به عنوان یکی از کشورگشایان مسلمان مطرح گردید. برخی از اعمال ناروای وی موجب شد که او به عنوان فردی خشن، ضعیف الایمان، مخالف اهل بیت علیهم السلام، خودخواه و هواپرست، شناخته شود. قتل عام قبیله بنی خزیمه در یمن، شرکت در هجوم به خانه فاطمه زهرا علیها السلام، کشتن مالک بن نویره و تعرض به ناموس وی بخاطر مخالفت با ابوبکر، پذیرش دستور ابابکر در کشتن علی علیه السلام (که بعدا ابوبکر پشیمان شد)، نمونه هایی از سابقه ننگین وی را نشان می‌دهد. او در سال 21 ه. ق در زمان خلافت عمر درگذشت. عبدالرحمن بن خالد از فرزندان وی بود که در جنگ صفین با علی علیه السلام جنگید و مهاجر بن خالد فرزند دیگر او بود، که بر خلاف برادرش در جبهه حق از علی علیه السلام دفاع کرد

(2) مکاتیب الرسول، ج2، ص502.

(3) آل عمران/59.

(4) آل عمران/61.

5) از منظر قرآن نوعی مالیات است که باید اهل کتاب، به رهبر مسلمانان بپردازند و در مقابل، در سایه حکومت اسلامی، جان و مال آنان محترم بوده و با امنیت خاطر و آسایش کامل زندگی می‌کنند. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

&171#؛ قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله ولا بالیوم الاخر ولا یحرمون ما حرم الله ورسوله ولا یدینون دین الحق من الذین اوتوا الكتاب حتی یعطوا الجزیة عن ید و هم صاغرون»؛

&171#؛ با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را که خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمردند و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم جزیه را با دست خود بپردازند. «  
(توبه/29)

(6) میزان، ج3، ص250؛ جلوه هائی از نور قرآن، ص115.

(7) شیخ مفید، ارشاد، ج1، ص170.

(8) ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج42، ص313؛ الریاض النضره، ج2، ص218؛ قوشچی، شرح تجرید، ص338. و از منابع شیعه، فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص128.

(9) طرحهای آموزشی نهج البلاغه، ص11.

(10) تفسیر امام عسکری، ص660؛ الامام علی علیه السلام ص285.

(11) الصوائق المحرقة، ص93.

(12) مناقب آل ابی طالب، ج2، ص145.

(13) تفسیر کشاف، ج1، ص433.

(14) صحیح مسلم، باب فضائل الصحابه.

(15) ارشاد، ج1، ص158.

(16) انفال/12.

(17) تفسیر فخر رازی، ذیل آیه مباحله (آل عمران/61).

(18) تفسیر فخر رازی، ذیل آیه (آل عمران/61).

(19) تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه مباحله.